

چکیده: یکی از روش‌های تفسیری قرآن که در سال‌های اخیر با کوشش‌های علامه طباطبایی و پس از وی آیت‌الله جوادی آملی مورد توجه قرار گرفت، روش قرآن به قرآن می‌باشد. آیت‌الله جوادی آملی در مقدمه تفسیر خود، تسنیم، در ضمن بررسی مبانی علمی این روش به جامعیت قرآن کریم با توجه به آیه «تَبَّ اِنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ عَالِمُونَ» استناد کرده که در آن، قرآن حاوی تمام علوم و مبانی همه چیز دانسته شده و لذا به طریق اولی در تبیین مرادفات خود بی‌نیاز از غیر، از جمله سنت تلقی شده است. با بررسی مراد قرآن کریم از کل شیء و تعیین حوزه تبیینی آن بر مبنای روایات و عدم وجود تبیین لازم در ظواهر قرآن کریم، روشن می‌گردد تحقق جامعیت قرآن در تبیین همه مسائل بدون مراجعه به مبین قرآن ممکن نیست. و لذا استناد بدان برای اثبات حجیت روش قرآن به قرآن با کاستی‌هایی رو به رو می‌باشد. این مقاله بر آن است تا با محوریت آراء آیت‌الله جوادی آملی ابتدا به تبیین استناد مطرح شده پردازد و سپس کاستی‌های آن را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: ادله حجیت تفسیر قرآن به قرآن تبیین کل شیء بودن قرآن؛ تسنیم؛ جوادی آملی؛ جامعیت قرآن.

## 1. طرح مسأله

آیت‌الله جوادی آملی روایات بیشتری پیدا کرد، روش تفسیری قرآن به قرآن است. در این منهج تفسیری، مفسر بر اساس برداشتی که از مجموع آیات قرآن کریم دارد، به تفسیر قرآن کریم پرداخته و آیات را به وسیله هم توضیح می‌دهد. اینک باید بررسی کرد که آیا این نوع تفسیر، از حجیت لازم برخوردار است یا خیر؟ لذا باید بررسی شود که آیا صرف برداشت مفسر بدین نحو و بدون مراجعه به سنت اصابه به واقع می‌نماید یا نه. همچنین باید بررسی شود که استغنائی که برای قرآن در این روش طرح می‌شود، از مصادیق افتراق ثقلین می‌باشد، یا خیر؟ لذا بایسته است ادله حجیت تفسیر قرآن به قرآن بررسی و پاسخ این سوالات آشکار شود.

## 2. تعریف اجمالی از روش تفسیری قرآن به قرآن

برای باشد آیت‌الله جوادی آملی آیات الفاظ از تعالی باری مراد به رسیدن، است تفسیر معنای در علما دیدگاه مشترک وجه آنچه برای واژه تفسیر در علوم قرآن، تعاریف متعددی ذکر شده است. سیوطی در تعریف تفسیر می‌نویسد: «تفسیر در عرف عالمان، کشف معانی قرآن و بدان مراد آن است. اعم از آنکه به حسب لفظ مشکل باشد یا نباشد، ا به حسب معانی آن ظاهر و باطن و ظاهر باشد.» (سیوطی، 1421، ص 427) در این عبارت مراد از «کشف معانی»، مفاد استعمالی الفاظ قرآن و مقصود از «بدان مراد»، تعریف مراد جدی باری تعالی از آیات قرآن می‌باشد. (رجبی، 1383، ص 9) آیت‌الله خوئی نیز در تعریف علم تفسیر می‌نویسد: «المتفسر هو المفسر من کتابه المعزول» (خویی، بی‌تا، ص 5)؛ همین مضمون را، بنگرید: (ابوح ان اندلسی 1420 ص 26؛ زرکشی، 1410، ص 105) آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «(تفسیر) عبارت است از: تحلیل مبادی مزبور و رسیدن به مقصود متکلم و مدلول بسط و مرکب لفظ» (جوادی آملی، ب 1386، ص 53) با توجه به تعریف‌های بیان شده، تفسیر تنها توضیح الفاظ قرآن نیست، بلکه توضیح مراد کلام خداوند است. هدف اصلی در تفسیر، رسیدن به مدلول لفظ و بدان معنای پنهان آن است

نه معانی ظاهری لفظ که از ظاهر کلام به ذهن می‌آید رسد. (مودب، 1380، ص 25)

تقسیم عقل به قرآن تفسیر و سنت به قرآن تفسیر، قرآن به قرآن تفسیر دسته سه به را تفسیری مناہج تسنیم مؤلف [ ] می‌آید. (جوادی آملی، ب 1386، ص 59) در ادامه ایشان روش قرآن به قرآن را بهترین شیوه تفسیر قرآن دانسته (جوادی آملی، ب 1388، ص 46؛ جوادی آملی، 1390، ص 346) زیرا تدبیر تام در همان متن است. (جوادی آملی، 1390، ص 61) در این متن مقدس هر آیه ای شاهد تصویری تصدیقی آید مگر است. (جوادی آملی، 1390، ص 58) و در فرض وحدت قلمرو و موضوع، هر آیه ای وفق آید مگر خواهد بود و این همان معنای تفسیر قرآن به قرآن است. (جوادی آملی، ب 1389، ص 634) در این تفسیر قبل از توجه به هر علمی و کلامی حتی سخن معصوم 7 مستقیماً و تنها به آیت الهی نگرسته می‌آید. (جوادی آملی، ب 1386، ص 24) خلاصه این که: «معنی قرآن ز قرآن پرس و بس [ ]» (جوادی آملی، هـ 1388، ص 68؛ د 1388، ص 210) این روش به معنی انشاء و انعطاف همه اجزای قرآن به کد گراست و در آن، همه اجزا کد گرا را تبیین و تفسیر می‌کنند: منسوخ و ناسخ، متشابه و محکم، مطلق و مقید، عام و خاص، قرینه و ذی‌المقرنه، مجمل و مبین و ... همگی به کد گرا منعطف می‌آیند. (جوادی آملی، الف 1389، ص 250) در این روش، هر آیه از قرآن که با تدبیر در سایر آیت قرآنی و بهره‌گیری از آن‌ها باز و شکوفا می‌آید. تبیین آیت فرعی به وسیله آیت اصلی و محوری و استناد و استدلال به آیت قوی‌تر در تفسیر، بر این اساس است که برخی از آیت قرآن که همه مواد لازم را برای پی‌آوردن زکی که بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد و برخی از آیت آن تنها عهده‌دار بخشی از مواد چنان بنا می‌است. آیت دسته دوم با استمداد از آیت گروه اول تبیین و تفسیر می‌آید. (جوادی آملی، ب 1386، ص 61) همچنین تفسیر قرآن به قرآن نیمی از حجّت و جزء دلیل نیست تا در حجّت خود محتاج سنت باشد چرا که سنت، هم در ناحیه اصل حجّت و امداد قرآن است و هم زمانی معتبر و حجّت است که محتوای آن بر قرآن عرضه شود و هیچ‌گونه تخالفی با آن نداشته باشد. پس قطعاً محصول بحث قرآنی با مدّ قبل از عرضه حدیث بر آن، حجّت بالفعل و معتبر مستقل و بی‌نیازی از ضمیمه باشد، تا بتواند زمان سنجش سنت واقع شود. (جوادی آملی، ب 1386، ص 64) و «با مدّ اعتراف کرد که همه معارف و احکام قرآن که هر چند به کمک آیت متناسب، به طور شفاف قبل از مراجعه به سنت روشن است.» (جوادی آملی، ب 1386، ص 138)

مراد به روایات به مراجعه بدون توان [ ] می‌که است این، قرآن به قرآن تفسیر از ایشان مراد که این نتیجه [ ] خداوند از آیات دست یافت و قرآن کریم برای تبیین مرادات خود کافی است. [ ]

### 3. حجّت تفسیر قرآن به قرآن

آن اثبات در و پرداخته قرآن به قرآن روش حجیت ادله تبیین به، تسنیم مقدمه در، آملی جوادی [ ] آیت [ ] به جامعیت قرآن کریم استناد کرده است. ادله دیگری نیز در حجّت این روش تفسیری بیان شده که بررسی آن‌ها به مقالات دیگری موکول است.

5. استناد به تبیان کل شیء بودن قرآن، در اثبات روش تفسیری قرآن به قرآن

1-4. استناد بر تبیان کل شیء بودن قرآن کریم

«...ء...ش...ل...ك...ل...انَابِت...تَاب...ك...أَل...ك...ي...ل...ع...نَال...زَن...» :فرماید «...می خود وصف در کریم قرآن ... (المنحل/89) «و ما نازل کردیم بر تو کتاب را که در آن کننده همه چیز است» (جوادی آملی، 1390، ص 106) تبیان به معنی کمال انکشاف از مجهولات می‌باشد. (مصطفوی، بی تا، ص 367) لذا بر طبق فرمایش الهی، پاسخ تمام پرسش‌ها در قرآن کریم موجود بوده و قرآن می‌تواند توضیح هر چیزی باشد. پس به طریق اولی قرآن، مبین خود نیز می‌باشد. (جوادی آملی، 1386، ص 66) و به قول علامه طباطبایی «حاشا أن یكون القرآن تبيناً لـ كل شيء ولا یكون تبيناً لـ نفسه». (طباطبایی، 1417، ج 1، ص 11) ظواهر آیات قرآن کریم به تنهایی و بدون مراجعه به روایات حجیّت داشته و قرآن در بیان مرادات خود محتاج غیر نیست. (جوادی آملی، 1386، ص 64)

الله آیت خیر؟ یا گیرد؟ می‌برد در را معنایی چنین استناد مورد آیه آیا که شود بررسی باید حال ...  
قرار بررسی مورد مختلف زوایای از آن و پرداخته استدلال این بسط و شرح به خود تفسیر در آملی ...  
داده است. در ادامه مشروح استدلال ایشان بیان می‌گردد:

معصومان تنها نه و است همگان هم سور آن الفاظ ظواهر فهم و تفسیر حد در کریم قرآن فهم ... : آن را به خود منحصر نساخته‌اند، بلکه مردم را به آن تشویق و ترغیب کردند. شواهد متعددی این ادعا را اثبات یا تأیید می‌نمایند. (جوادی آملی، 1386، ص 91) ممکن نیست کتابی که در آنگر همه معارف و اصول سعادت بخش انسانی می‌باشد، خود بی‌ن و آشکار نباشد... چه آنکه بی‌ن بالمذات را با بد با خود آن بی‌ن شناخت و چه زبانی دیگر را به وسیله او مبین نمود. (جوادی آملی، 1374، ص 16) کتابی که تبیان خود نباشد، چگونه می‌تواند تبیان هر چه زد بگر باشد؟ (جوادی، 1386، قلم، ص 66) قرآن کریم در صورتی می‌تواند روشنگر جز خود و تبیان کل شیء باشد که خودش روشن و مبین باشد. (جوادی آملی، ج 1388، ص 121) به طوری که از جمع‌بندی آنها تمام آیات مناسب لفظی و معنوی با یکدیگر، معنای روشنی از آن‌ها به دست خواهد آمد. (جوادی آملی، الف 1386، ج 1، ص 75)  
ه چگونه کمبودی در این کتاب نیست تا از خارج جبران شود؛ نه کمبود قانون و دستورهای انسانی و نه کمبود شناخت و معارف اسلامی و نه قصور در تبیان آن‌ها؛ معنی هم از لحاظ محتوا و مضمون، بی‌نیاز از مطالب دیگر است و هم در تعلیم و تفهیم آن‌ها به انسانی گوید که از زبان دیگران بی‌نیاز است و از قلم دیگران مستغنی است زیرا خاصیت «تبیان کل شیء» بودن، هم‌بند است. (جوادی آملی، 1387، ص 21)

آملی - جوادی) . دانند ... می آسمانی کتاب ا بن بالمصالحه و بالمذات مّعل را خود سبحان خدای . 2-4-  
الف 1386، ج 1، ص 15) (المريح من عمل القرآن خالق الإنسان عمل الله البان) (المرحمن/4-1) برخی  
نگاهی متعمقانه به موضوع دارند و معتقدند که اسلام، جامع همه احکام فردی و اجتماعی است و هیچ یک از زبانی  
انسان را فروگذار نکرده است و چیزی نیست که فرد جامعه بدان ازمنده باشد و در رفع آن نکوشد. (جوادی آملی، 1390، ص 106)

3-4. (ما فرطنا فی المکتب من شیء) (المأنعام/38) «ما در قرآن هیچ چیز را فروگذار نکردیم.» امام رضا  
فرمودند: «إِنَّ الْمَلَّةَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهٗ»

حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ الْمَدَّ بْنَ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فَ ٤ تَبَيَّنَ أَنْ كُلَّ شَيْءٍ بَيَّنَّ فَ ٤ الْحَلَّالِ وَالْحَرَامِ وَالْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَجَمَعَ مَا يَخْتَلِفُ فِيهِ الْمَنَاسِكُ كَمَا لَفَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (مَا فَارَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ أَهْمٍ) (کلینی، 1407، ج 1، ص 199) «همانا خداوند سبحان پد امبر

6  
را قبض روح نکرد، مگر بعد از آنکه در آن برای او کامل کرد و قرآن را که در آن پد ان هر چه زی است نازل فرمود و در آن حلال و حرام و حدود و احکام و همه ن ازهای بشر را کاملاً شرح داد و فرمود: ما در قرآن چه زی را فروگذار نکردیم.» (جوادی آملی، 1390، ص 106)

4-4. پد ان هر چه زی در قرآن به ا ن معناست که ا ن کتاب آسمانی، اصول کلی ن ازهای مادی و معنوی و ن ز چارچوب اصلی برای تأمل ن آن آیه ها را با بهره آیه های از قوه تعقل ارائه کرده است. (جوادی آملی، 1390، ص 109)، چنان آیه ها که امام صادق فرمودند: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَبَارَكُ وَتَعَالَىٰ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبَيَّنَ كُلَّ شَيْءٍ أَهْمٍ حَتَّىٰ وَالْمَلَأَهُ مَا تَرَكَ الْمَلَأَهُ شَيْئًا يَخْتَلِفُ فِيهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَأَيُّ سِتْرٍ عَزَّ وَجَلَّ عَزَّ وَجَلَّ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فَ ٤» (کلینی، 1407، ج 1، ص 59) «همانا خداوند متعال در قرآن پد ان هر چه زی را مطرح فرمود؛ حتی ه چیزی ن از بنده آیه ها را فروگذار نکرد؛ به حدی که کسی نمی آید نواند بگوید اگر ا ن مطلب در قرآن نازل می آید شد، بهتر بود.» (جوادی آملی، 1390، ص 109)

4-5. در روایات معصومان بر جامعیت و کمال د ن بس ا تأکید و تصریح شده است که جامعیت د ن با عدم تبیین برخی از امور و ترکیب ارائه راه حل در آن منافات دارد. امام باقر می آید فرماید: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَبَارَكُ وَتَعَالَىٰ لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَخْتَلِفُ فِيهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنْزَلَ فِيهِ كِتَابَهُ وَبَيَّنَّ لَهُ لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَهْمًا حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَيْهِ مِنْ تَعَدِّي ذَلِكِ الْحَدَّ حَدًّا.» (کلینی، 1407، ج 1، ص 59) «خداوند متعالی چه زی را که مورد ن از امت است در کتابش فروگذار نکرده و برای رسولش پد ان کرده و برای هر چه زی حدی قرار داده و دلی روشن برای آن اقامه کرده است و برای هر که از آن حدود تجاوز کند، مجازاتی برشمرده شده است.» (جوادی آملی، 1390، ص 107) امام صادق

7  
ن ز فرمودند: «مَا مِنْ أَمْرٍ خْتَلَفَ فِيهِ أُمَّةٌ إِلَّا وَجَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَدًّا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَهْمًا حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَيْهِ مِنْ تَعَدِّي ذَلِكِ الْحَدَّ حَدًّا.» (کلینی، 1407، ج 1، ص 60) «ه چیزی امری ن ست که دو نفر در آن اختلاف کنند، مگر در کتاب الهی اصل و ضابطه آیه های برای آن هست و ولی عقول انسان آیه ها به آن نمی آید رسد.» (جوادی آملی، 1390، ص 108) همچن ن فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ.» (کلینی، 1407، ج 1، ص 59) (108، ص 1390، آملی جوادی) «باشد آمده سنتی ا کتاب او درباره ا نکه مگر ن ست چه زی ه چیزی»

4-6. نامعقول است که آخر ن د ن الهی، پد امبر آسمانی و کتاب وحدانی همه ن ازهای انسان آیه ها را پد ان نکرده باشد. (جوادی آملی، 1390، ص 109) امام صادق در ا ن آیه باره می آید فرماید: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ خَتَمَ بِنَبِيِّ كُمْ الْمَنْبِيِّ نَ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَخَتَمَ بَكِتَابِكُمْ الْكِتَابَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ أَبَدًا وَأَنْزَلَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلَّ شَيْءٍ أَهْمٍ وَخَلَقَ كُمْ وَخَلَقَ الْمَسَامَاتِ وَالْأَرْضَ وَنَبَأَ مَا قَبْلَ كُمْ وَفَصَّلَ مَا بَيْنَ كُمْ وَخَبَّرَ مَا بَعْدَ كُمْ وَأَمَرَ الْجِنَّةَ وَالْمَنَارَ وَمَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ.» (جوادی آملی، 1390، ص 269) کتاب با و بود نخواهد پد امبری او از بعد هرگز پس، داد پد ان را انب ا سلسله، شما پد امبر با و جل عز خداوند همانا» (269) شما، فروفرستادن کتاب بر انب ا را پد ان بخشید، بنابراین بعد از قرآن ه چیزی کتاب آسمانی نخواهد بود و در ا ن کتاب همه امور را پد ان کرد و ن ز خلقت شما و آسمان آیه ها و زم ن و خیر گذشتگان و فصل الخطاب شما و خیر آندگان و امر بهشت و جهنم و آنچه را شما به سوی آن بازمی آید گردید پد ان کرده است.» (جوادی آملی، 1390، ص 109)

علاوه بر روایات فوق که آیت الله جوادی بدان اشاره کردند، احادیث فراوان دیگری هم در این باب صادر شده است. (نک: کلینی، 1407، ج 1، ص 156 و سید بن طاووس، 1406، ص 283 و رضی، 1414، ص 60 و 63)

آن‌های کاسنی برخی و پرداخته آن مختلف ابعاد بررسی به ادامه در. گردید مطرح استدلال مشروح اینجا تا

## 6. دیدگاه‌های متعدد در وجه جامعیت قرآن کریم

بتوان اینکه برای باشد می‌شود شیء کل تبیان که دارد می‌توان بیان نحل مبارکه سوره ام 89 آیه در کریم قرآن مفهوم آیه را تماماً دریافت، باید بررسی نمود که مراد از کل شیء چیست. در این باره دیدگاه‌های گوناگون زیر مطرح شده است:

1-5. دیدگاه اول: عده‌ای جامعیت قرآن را به امور دینی محدود نموده و اطلاق آیه را مقید می‌سازند. بر اساس این دیدگاه هیچ چیزی که لازمه مسیر هدایت انسان باشد، در قرآن فروگذار نشده است. اما قرآن جامع دیگر علوم نمی‌باشد. چرا که قرآن متکفل هدایت بشر بوده و ابتدائاً داعیه دخالت در دیگر امور را ندارد. اساساً شأن دین هدایت‌گری در امور دینی است نه دنیوی و قرآن هم به عنوان کتاب راهنما، متکفل مایحتاج این دین است، لذا بداهتاً اطلاق آیه را مقید به امور دینی نموده‌اند. (طباطبایی، 1417، ج 12، ص 324) مفسرین قبل از ایشان نیز جامعیت قرآن کریم را در امور دینی محدود دانسته‌اند. مثلاً شیخ طوسی می‌نویسد: «و معنی المع موم فی قولہ (لِ كُلِّ شَيْءٍ) الممراد به من أمور المدینة (طوسی، بی تا، ج 6، ص 418) طبری نیز می‌نویسد: «مَعْنَاهُ لِي بَيْنَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْمَشْرِعِ» (همان، ص 586) زمخشری می‌نویسد: «المع عن أي آنه بيّن كل شيء من أمور المدینة» (زمخشری، 1407، ص 628) البته تمام ایشان در ادامه فرمایش خود تصریح می‌کنند جامعیت قرآن حتی در امور دینی هم با رجوع به پیامبر اکرم 6 محقق خواهد شد.

2-5. دیدگاه دوم: اطلاق آیه را مقید نساخته و بیان می‌دارد کلیه علوم در قرآن کریم جای دارد. این دیدگاه آیه را از مطلق بودن خارج نکرده است. آیت الله جوادی در این باره می‌نویسد: «کمال و جاودانگی اسلام اقتضا دارد که تمام ازهای انسان را پاسخ گوید، ز یاد ن به تمام امور زندگی انسان سرکش ده و در آن نظر داده است، به گونه‌ای که زندگی بدون دین، با بحران روحی و روانی رو به رو می‌شود. منطق موحدان بر اساس جامعیت تفکر توحیدی در همه ابعاد زندگی و شالوده تفکر ملحدان، کنار گذاشتن و المحاد برنامه‌ها و تعالیم الهی در جنبه‌های از حیات انسانی است.» (جوادی آملی، 1390، ص 106-107) حماد روا می‌نماید که حضرت امام صادق 7 فرمودند: «نَحْنُ وَاللَّهِ نَعْلَمُ مَا فِي الْمَسَامِ أَوَاتٍ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي الْمَنَارِ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ قَالِ فَابْتَدَأَ أَنْ يَنْظُرَ إِيَّاهُ قَالِ فَقَالَ يَا حَمَادُ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَيْئًا دَاعِيًا لَهُمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِيئًا بِكَ شَيْئًا دَاعِيًا لَهُمْ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَى كُلِّ أُمَّةٍ كِتَابًا تَلِّبُهَا لِكُلِّ شَيْءٍ آيَةً وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ إِنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَهِيَ تَبِيحُ كُلِّ شَيْءٍ) فِيهِ تَبِيحُ كُلِّ شَيْءٍ.» (صفرار، 1404، ص 128) چون روا است آن مسئله بش از آن است که

بتوان در این رساله به آن‌ها اشاره نمود و جوامع روا می، همانند بصائر المدرجات و امالی قدهای از مشایخ امام 4 (رحمة الله) و همچنین کتاب شرح بحار الأنوار و دیگر مجامع متأخرین از محدثین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین آن‌ها را گرد آورده؛ (در اینجا به بیان آن نمی‌پردازیم) «(جوادی آملی، الف 1386، ج 1، ص 221-219) لذا اطلاق آیه را دال بر این می‌گیرد که قرآن شامل تمام علوم می‌گردد، و محدود به علوم دینی نمی‌باشد.»

به ادامه در دانند که دینی غیر و دینی از اعم علوم تمام بر مشتمل را قرآن که دارد وجود فراوانی روایات ۱۱ برخی از این احادیث اشاره می‌گردد:

صادق امام ۱۱ 7 می‌فرماید: «قَالَ نَحْنُ وَاللَّهِ نَعْلَمُ مَا فِي الْمَسْمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي الْمَنَارِ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ» (عیاشی، الف 1380، هـ ق، 2، 226)

هالل ویتح عی ش لک ان یبت ان رقی ال یف لزن آهالل نآ» : فرماید که دیگر روایتی در همچنین ۱۱  
مَا تَرَكَ شَيْئًا يَحْتَجُّ إِلَيْهِ إِلَّا عَابَدُ حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عِبَادُ يَ قَوْلُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ  
إِلَّا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فَهَؤُلَاءِ» (مجلسی، الف 1403، هـ ق، 237)

أضالمر ال ق» : کند که روایت صدوق شیخ است شده نقل نیز دیگر کتب در مضمون این ۱۱ 7 و کذلک أمر  
محمّد  
بالقرآن الّذی ف ه ا ق ص ص الّأنبیاء و أخبرهم حرفاً حرفاً و أخبر من مضي و من بقی الی یوم  
القیامه» (صدوق، 1398، ص 429)

جهت به که است شده نقل معنا این بر مبنی متعددی روایات (نحل سوره 89 آیه ذیل) نورالثقلین تفسیر در همچنین ۱۱  
شبهات متن و معنا، به نقل چند روایت از آن اکتفا می‌گردد:

الله عبد أبو قال ۱۱ 7: «إِنِّي لَأَعْلَمُ خَبَرَ الْمَسْمَاءِ وَخَبَرَ الْأَرْضِ وَخَبَرَ مَا كَانَتْ وَ مَا هُوَ كَأَيُّنْ كَأَنَّه فِي كَفِّي ثُمَّ قَالَ مَنْ كَتَبَ إِلَيْهِ اللَّهُ أَعْلَمَهُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (ف ه تب ان كل شي ه ا ع)». (عاشی، 1422، ج 266، ص 2، ه ا)

هُغُلِبَتِ أَلْ ن كَل وَ لَج وَ زَع هالل اب ت ك ی ف ل ص أه ل وَ أ ل ان ن ا ث ه ف ل ت خ ی ر م ان م ۱۱  
عقُول المرحّ ال. (کلینی، 1407، ج 1، ص 60)

هالل ذبَع أَبَا تُعَمَسٍ □ □ 7 ی قول: «قَدْ وَدِدْتُ أَنْ أَعْلَمَ أَنَّ أَعْلَمَ كِتَابِ الْمَلَّةِ، وَف 4 بَدَّءُ  
الْخَلْقِ وَ مَا هُوَ كَأَيِّنْ إِلَيَّ □ □ 7 يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَف 4 خَبَرَ الْمَسْمَاءَ وَ خَبَرَ الْأَرْضِ، وَ خَبَرَ الْجَنَّةَ وَ خَبَرَ  
الْمَنَارِ، وَ خَبَرَ مَا كَانَ وَ خَبَرَ مَا هُوَ كَأَيِّنْ، أَعْلَمَ ذَلِكَ كَمَا أَنْظَرَ إِلَيَّ □ □ 7 كَفَيَّ، إِنَّ الْمَلَّةَ يَقُولُ: ف 4  
تَبَيَّنَ كَلَّ شَيْءًا □ □ 7» (کلینی، 1407، ج 1، ص 156)

هالل ذبَع ي بَأْنَعٍ □ □ 7 قال: كِتَابِ الْمَلَّةِ ف 4 نَبَأَ مَا قَبْلَ كُمْ وَ خَبَرَ مَا بَعْدَكُمْ وَ فَصَّلَ مَا  
بَيْنَكُمْ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ. (کلینی، 1407، ج 1، ص 61)

أَمْ أَبْنِ وَ ضِرَّالِ وَ ابْتَأْوَمَّ الْمَسَّ قَلْبِخَ وَ مَكَّ قَلْبِخَ وَ عَيْشَ لِكِ ابْنِ بَت 4 ف لَزْنَا ... هُرُكُ ذَرَعِ هَاللِّ نِ □ □  
قَبْلَ كُمْ وَ فَصَّلَ مَا بَيْنَكُمْ وَ خَبَرَ مَا بَعْدَكُمْ وَ أَمَرَ الْجَنَّةَ وَ الْمَنَارَ وَ مَا أَنْتُمْ صَائِرُونَ إِلَيْهِ. (کلینی،  
1407، ج 1، ص 269)

هالل ذبَع أَبَا وَأَعْمَسٍ □ □ 7 ی قول: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي الْمَسْمُوتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ  
وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْمَنَارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ قَالِ تَمَّ مَكَثَ هُنَّ يَوْمَ فَرَأَى أَنْ ذَلِكَ كَبَّرَ عَلَيَّ مِنْ  
سَمْعِهِ مِنْهُ فَاقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ الْمَلَّةِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْمَلَّةَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ (ف 4 تَبَيَّنَ كَلَّ  
شَيْءًا □ □ 7)» (کلینی، 1407، ج 1، ص 261)

الله عبد أبا سمعت □ □ 7 قول: عَلِمْتُ كِتَابِ الْمَلَّةِ، وَف 4 تَبَيَّنَ كَلَّ شَيْءًا □ □ 7: بَدَّءُ الْخَلْقِ، وَ أَمَرَ  
الْمَسْمَاءَ، وَ أَمَرَ الْأَرْضَ، وَ أَمَرَ الْأَوَّلَ نِ، وَ أَمَرَ الْآخِرَ نِ، وَ أَمَرَ مَا كَانَ، وَ أَمَرَ مَا يَكُونُ، كَأَنَّي أَنْظَرَ إِلَيَّ □ □ 7  
ذَلِكَ نَصَّبَ عَيْنِي (کلینی، 1407، ج 2، ص 223)

بیت اهل مجموع در و شده نقل نیز دیگری متفاوت اسناد با روایات این □ □ : با استناد به این آیه از اشتمال قرآن بر تمام  
علوم مانند مکان و مایکون و ... خبر داده □ □ اند. تعدد این نقل □ □ ها سبب تواتر معنوی آن شده است. لذا آیه اطلاق  
داشته و نمی □ □ توان کل شیء نقل شده در این آیه را صرفاً به امور دینی محدود نمود.

## 7. تحلیل استدلال مذکور

به توان □ □ می شیء کل تبیان در کریم قرآن تجمعی به استناد با که، هستیم این بررسی دنبال به نوشتار این در □ □  
تبیان بودن قرآن به تنهایی برای بیان مراد است خود نیز پی برد. در این استدلال دو رکن اصلی وجود دارد:

□ □ رکن اول استقلال است، یعنی قرآن کریم باید مستقل از سایر منابع و به تنهایی شامل این علوم باشد، تا بتواند مورد استناد قرار بگیرد. بدین معنی که مثلاً اگر بیان شود قرآن به همراه سنت تبیان همه چیز می‌باشد، دیگر نمی‌تواند به این آیه، بر استغنائی قرآن از غیر استناد نمود و گفت قرآن به همراه سنت تبیان همه چیز است، پس به انضمام سنت، تبیان خود نیز می‌باشد و این اساساً نفی منهج قرآن به قرآن است؛ آیت الله جوادی در دفاع از حجیت تفسیر قرآن به قرآن مکرراً بر این مهم تأکید می‌کند؛ نمایم که قرآن کریم در تبیین معارف خود استقلال دارد. (جوادی آملی، ب 1386، ص 64؛ 65؛ 67؛ 75؛ 139) پس اگر این استقلال مورد خدشه قرار گیرد، منهج تفسیری قرآن به قرآن از حجیت ساقط می‌گردد.

دوم رکن □ □ جامعیت است. بدین معنی که قرآن کریم باید در تبیین تمام خود جامعیت داشته باشد، که بتوان این جامعیت را به خود قرآن نیز سرایت داد. یعنی قرآن باید یا تبیان تمام علوم □ □ براساس قول دوم - یا حداقل تبیان تمام علوم دینی - براساس قول اول - باشد تا بتوان گفت لاجرم تبیان خود نیز می‌باشد. چرا که اگر ثابت شود که به نحوی برخی علوم دینی در قرآن وجود نداشته باشد، این استثناء می‌تواند شامل خود قرآن نیز بشود و لذا استناد به آن برای اثبات حجیت تفسیر قرآن به قرآن از اعتبار ساقط می‌گردد.

نقد: بر مبنای تفکر قرآن به قرآنی و دید استقلال کتاب، اساساً ادعای قرآن کریم مبنی بر تبیان کل شیء بودن، ادعای باطلی است. چرا که بسیاری از علوم دینی و غیردینی در ظاهر قرآن طرح نشده است. به همین دلیل بر اساس مبنای روایی، جامعیت قرآن بدون اهل بیت: به هیچ وجه محقق نخواهد شد و لذا بر مبنای روایات اهل بیت : بطلان ادعای جامعیت استقلالی بدیهی است. لذا بزرگانی چون علامه طباطبائی برای حفظ استقلال کتاب، جامعیت قرآن را منحصر در علوم دینی نموده‌اند. (طباطبائی، 1417، ج 12، ص 324) البته همین ادعا نیز با استقلال کتاب صحت نخواهد داشت. چه بسیار از دستورات دینی که قرآن متعرض آن نشده یا به بیان کلیات آن اکتفا نموده است. بیان کلیات توسط قرآن کریم امری است که بر کسی پوشیده نیست. آیت الله جوادی نیز مکرراً در موارد متعدد بدان اشاره کرده است. مثلاً بیان می‌کند: «قرآن کریم با انگر خطوط کلی معارف دین است و در تبیین خطوط اصلی معارف دین روشن می‌باشد. (جوادی آملی، ب 1386، ص 73) نیز می‌نویسد: «به این هر چه زی در قرآن به این معناست که این کتاب آسمانی، اصول کلی ازهای مادی و معنوی و نیز چارچوب اصلی برای تأمین آن‌ها را با بهره‌گیری از قوه تعقل ارائه کرده است.» (جوادی آملی، 1390، ص 109)

□

این سنت بدون قرآن در لذا کلیات فقط نه شود □ □ می‌فروع تمام شامل و بوده اطلاق در کل واژه ظهور است تضاد در تکلی مفهوم با «دین معارف کلی خطوط تبیین □ □ ادعای قرآن صحت نخواهد یافت. آیت الله جوادی در بیانات خود مکرراً بر این مطلب تأکید می‌کند؛ نمایم که تبیین کل شیء بودن قرآن با رجوع به اهل بیت: امکان پذیر است و قرآن حتی در علوم دینی هم جامعیت ندارد که البته این امر منجر عدم استقلال قرآن می‌گردد. ایشان می‌نگارند: «قرآن کریم عهده‌دار تبیین خطوط کلی معارف و احکام دین است و تبیین حدود و جزئیات و شواهد اجرایی آن بر عهده امیرالمؤمنین

6

و عترت ظاهرین

:

است؛ مانند این که اصل وجوب اقامه نماز در قرآن کریم آمده است: (آه موا الصلوة) و احکام جزئی و نحوه اجرایی آن را که تقریباً مشتمل بر حدود چهار هزار حکم فقهی واجب و مندوب است، معصومان

:

بنابر این کرده‌اند. □ □ (جوادی، ب 1386، ص 140) لذا اگر قرآن در بیان معانی خود مستقل دانسته شود، چندین هزار حکم فقهی در آن وجود نخواهد داشت. ایشان در ادامه می‌نویسد: «صلاحات قانونی امیر

6



برای علم و عمل منحصر در این است که خود کتاب آسمانی همه معارف و احکام را به تفصیل بیان کند، بلکه ممکن است برخی از آن‌ها را به طور تفصیلی روشن کند و تفصیلی برخی دیگر را از راه وحی و الهام به خود پیامبر برای جامعه تبیین کند، اما آن که اصلاً به این خطوط کلی حکم و احکام بسنده کند و تفصیلی همه آن‌ها را از راه حدیث قدسی به پیامبر الهام شود و آن حضرت تفصیلی دریافت شده را به امت خویش ابلاغ کند. غرض آن که، آنچه از برهان ضرورت وحی و نبوت استفاده می‌شود رسد در ایم خدا در اصول و فروع در آن به مردم است و آن بلاغ راه‌های متعددی دارد و هرگز منحصر به این تفصیلی خود متن مقدس آسمانی نیست. (جوادی آملی، المف 1388، ص 384)

که است اش - آسمانی کتاب از مرادش شرح و توضیح هم الهی‌های پیام‌ترین - مهم از یکی، نیست قرآن در محدود و بوده متعدد خداوند پیام ابلاغ‌های قرآن را اگر ... طریق بیان آن مانند دیگر پیام‌ها منحصر در خود قرآن نمی‌باشد. آیت‌الله جوادی در ادامه بیانات خود می‌آید:

خداوند کتاب قرآن را از خارج تبیین از مندرج و باشد داشته ابهام شود چگونه، کند می‌باید؛ این را چه ز همه و است ... اش کی کل تبیین خود که قرآنی ... غنی است، پس چگونه می‌شود که از مندرج و خود باشد. نکته مهم در اینجا آن است که خود قرآن، دلالت دارد بر این که برخی از احکام و حکم الهی نزد رسول اکرم

پیامبر گرامی به مراجع قرآن روشن‌ظواهر است.

اکرم رسول به رجوع، (7/المحشر) (وَأَتَانَا نَحْنُ مُهَانُونَ مَا وَوَدُّخَفَ وَالرُّسُلُ أَلْمُتَاتُكَمَا) : شمرده می‌لزم را

برای تفصیلی اختصاص اعموم آن و نیز برای برطرف شدن ابهام در تطبیق نه در اصل مفهوم ... ای و نیز برای منافع دیگر ضروری خواهد بود از اینجا، معنای می‌ن

که خداوند چنین وصفی را در قرآن برای آن حضرت مقرر فرموده، بَعْدُ دگرگی به دامی ... کند. می‌گوییم: قرآن مکرراً مردم را به مبنای آن ارجاع می‌دهد. همانند آیه‌ای که آیت‌الله جوادی بیان کرده یا مانند آیه‌ای که می‌فرماید (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَوْفَىٰ بِوَعْدِهِ) (الاسراء/9) امام صادق

در ذیل این آیه می‌فرماید: «قَالَ يَهْدِي إِلَى الْإِيمَانِ» (کلینی، 1407، ج 1، ص 216) نیز خدای متعال در دو آیه دیگر می‌فرماید (فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) (النحل/43؛ المائدة/7) که حضرت صادق

در تفسیر آن فرموده‌اند: «قَالَ الْكُتُبُ أُولَئِكَ وَأَهْلُهَا أُولَئِكَ»

أَمْرَ الْمَلَأَ عَزَّ وَجَلَّ بِسُؤَالِهِمْ» (کلینی، 1407، ج 1، ص 295) همچنین قرآن کریم خطاب به پیامبر

می‌فرماید: (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ) (النحل/44) اگر قرآن کریم نیاز به تبیین از خارج خود نداشت و تبیین همه چیز من جمله خودش بود، این دستور خداوند به پیامبر مبنی بر تبیین کردن قرآن برای مردم امری ناصواب بود.

پیامبر توضیح به و سنت همراهی با قرآن بودن شیء کل تبیین، آیه این توضیح در: زمخشری و طبرسی مرحوم، طوسی شیخ همچون دیگر مفسران ... می‌دانند. و قرآن مستقل را فاقد این شأن تبیینی کل شیء می‌دانند. (طوسی، بی‌تا، ج 6، ص 418، ص 586؛ زمخشری، 1407، ص 628)

8. عدم توان استنباط معارف دینی مورد نیاز از قرآن توسط اصحاب ائمه:

ائمه اصحاب که خورد ... می‌چشم به فراوانی احادیث، امامیه روایات مجموعه در ... : به خدمت ایشان رسیده و عرضه می‌دارند ما در علم دین تفقه یافته‌ایم ولی با برخی

مسائل دینی مواجه می‌آید. شومیم که نمی‌آید توانیم آن را در کتاب خدا بیابیم. در بین این اصحاب، افراد جلیل‌القدری مانند ابویسیر نیز به چشم می‌آید. حضرات معصومان :

علاوه بر اینکه این مطلب را رد نمی‌آید، نمایند، ایشان را به سنت پیامبر

6

و در مرحله بعد به خودشان ارجاع داده‌اند. بر اساس این روایات که تعدد سند آن سبب تواتر معنوی آن شده است، می‌آید توان دریافت که معصومان

:

با تقریر خود بیان نموده‌اند که آنچه از ظاهر کتاب الله در دست مردم و فقیهان می‌آید، بدون مراجعه به سنت و امام

7

کفایت امور دینی ایشان را ننموده و به هیچ عنوان نه تنها تبیان کل شیء بلکه می‌آن امور دینی مردم نیز نمی‌آید. لذا به طریق اولی قرآن به تنهایی تبیان خود نیز نخواهد بود. پس برای آشکار شدن مراد باری تعالی از آیات آن باید به روایات اهل بیت

:

نیز مراجعه نمود. اینک تعدادی از این روایات ذکر می‌آید:

هَلَّا لِدَبْعِ يِبَالٍ تُتَلَّقُ: أَلَيْقٍ رِصَبِ يِبَالٍ نَع 7 يَرُدُّ عَلَيْنَا أَشْيَاءَ لَيْسَ نَعْرِفُهَا فِي كِتَابِ وَال سُنَّةٍ فَانْظُرْ فِي 4 فَقَالَ لَأَمْ إِن كَانِ  
أَصْبَتْ لَمْ تُؤْجَرْ وَإِنْ كَانَ خَطَا كَذَّبْتَ عَلَيَّ الْمَلَّةَ. (برقی، 1371، ص 213)

نَسَحَ أَلِ يِبَالٍ تُتَلَّقُ: أَلَيْقٍ دَاعٍ مَسْ نَع 7 إِنْ عَرَدْنَا مَنْ قَدْ أَدْرَكَ أَبَاكَ وَجَدَكَ وَإِنَّ الرَّجُلَ يُبْتَلَى بِالشَّيْءِ 4 لَأَيُّكَونُ عَرَدْنَا فِي 4 شَيْءٍ  
فَنَقِ سَ فَقَالَ إِنَّمَا هَلْكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ ح ن قَاسُوا. (برقی، 1371، ص 212؛ محدث نوری، ج 17، 1408، ص 259)

رَفَعَجَ نَبِ يَوْسُفَ 4 نَسَحَ أَلِ يِبَالٍ تُتَلَّقُ: أَلَيْقٍ مَكَحَ نَبِ دَمْحُم 7 جُعِلَتْ فِدَاكَ فَاقْدِنَا فِي الْمَدِينِ وَانْزِلْنَا إِلَيْكَ بِكَ مِنْ النَّاسِ حَتَّى يَنْ  
الْجُمَاعَةَ مِنْ لَيْكَونُ فِي الْمَجْلِسِ مَا يَسْأَلُ رَجُلٌ صَاحِبَهُ يَحْضُرُهُ الْمَسْأَلَةُ وَ يَحْضُرُهُ جَوَابُهُ مِنْ الْمَلَّةِ عَلَيْنَا بِكَمْ فَزَبْمًا وَرَدَّ عَلَيْنَا  
الْمَشْيَءَ لَمْ يَأْتِنَا فِي 4 عَنكَ وَعَنْ آبَائِكَ شَيْءٌ 4... (كليني، 1407، ج 1، ص 56)

نَسَحَ أَلِ يِبَالٍ تُتَلَّقُ: أَلَيْقٍ مَكَحَ نَبِ دَمْحُم 7 إِنْ نَتَلَّقِي فِي مَا بَيْنَنَا فَالْأَيُّكَادُ يَرُدُّ عَلَيْنَا إِلَا وَعَرَدْنَا فِي 4 شَيْءٍ وَذَلِكَ شَيْءٌ 4 أَنْعَمَ  
الْمَلَّةَ بِهِ عَلَيْنَا بِكَمْ وَقَدْ يَرُدُّ عَلَيْنَا الْمَشْيَءَ 4 وَلَيْسَ عَرَدْنَا فِي 4 شَيْءٍ وَعَرَدْنَا مَا يُشْبَهُهُ فَنَقِ سَ عَلَيَّ أَحْسَنَهُ فَقَالَ لَأ. (برقی، 1371، ص 213)

يَبَالِنَا 6 لَمْ أَرْسَلْ مَعَاذًا إِلَيَّ الْيَمَنَ قَالَتْ لَهُ بِيْمَاذَا تَقْضِي قَالَتْ بِكِتَابِ الْمَلَّةِ قَالَتْ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِي كِتَابِ الْمَلَّةِ قَالَتْ بَسْ نَدَّ رَسُولِ الْمَلَّةِ 6.  
(كراچكي، 1410، ج 2، ص 207)

يَلَعِ نَبِ نَسَحَ أَلِ نَجِ يَوْسُفَ 7 أَنْهُ سَأَلَ فَوَقَّ لَبِيْمَاذَا كَانَ يَحْكُمُ أَمْ رَأَيْتُمْ مَنْ 7 قَالَتْ بِكِتَابِ الْمَلَّةِ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسُنَّةِ رَسُولِ الْمَلَّةِ.  
(كراچكي، 1410، ج 2، ص 207)

هَأَلَّلْ ذُبَاعَ يَبَالَ تُلُقْ □ □ 7 إِنْ مَنْ عِنْدَنَا مِمَّنْ يَتَّفِقَهُ يَقُولُونَ يَرِدُ عَلَيْنَا مَا لَنَا نَعْرِفُهُ فِي كِتَابِ الْمَلَّةِ وَ لَأ فِي الْمُسْنَدِ... (صغار، 1404، ص 301 و مفید، 1413، ص 281)

حَالِ الْمَصْ ذُبَاعِ أَلْ نَع □ □ 7 قَالَ: سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ إِنَّ أَسْمَاءَ مِنْ أَصْحَابِنَا قَدْ لَقُوا أَبَاكَ وَ جَدَّكَ وَ سَمِعُوا مِنْهُمْ أَلْ حَدِيثَ فَرُبَّمَا كَانَ الْمَشَىءُ □ □  
يُبْتَلَى بِهِ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ يَفْتِي 4 وَ عِنْدَهُمْ مَا يُشْبِهُهُ يَسَعُهُمْ أَنْ يَأْخُذُوا بِاللَّيْقَى أَسِ فَقَالَ لَأ. (مفيد، 1413، ص 281 و صغار، 1404، ص 302)

نَسَحَ أَلْ يَبَالَ نَع مَي كَسُحُ نَبْ دَمَحُم نَع □ □ 7 قَالَ: قُلْتُ لَهُ تَفَقَّهْنَا فِي الْمَدِينِ وَ رُوْنَا وَ رُبَّمَا وَرَدَ عَلَيْنَا رَجُلٌ قَدِ ابْتَلَى بِشَيْءٍ □ □ صَغِرِ الْذَى  
مَا عِنْدَنَا فِ 4 بَعِيْنَهُ شَيْءٌ □ □ وَ عِنْدَنَا مَا هُوَ يُشْبِهُهُ مَثَلُهُ أَفَنَفَاتِ 4 بِمَا يُشْبِهُهُ قَالَ لَأ. (صغار، 1404، ص 302)

هَأَلَّلْ ذُبَاعَ يَبَالَ تُلُقْ: أَلْ قَبِيْلُكَ نَبْ دَرُوس نَع □ □ 7 بِأَيِّ شَيْءٍ يُفْتَى أَلْ إِمَامُ قَالَ بِالْكِتَابِ قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي أَلْ كِتَابِ قَالَ بِالْمُسْنَدِ  
قُلْتُ فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي أَلْ كِتَابِ وَ الْمُسْنَدِ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ □ □ إِيْلَ فِي أَلْ كِتَابِ وَ الْمُسْنَدِ. (صغار، 1404، ص 387)

أَصْلُ نَسَحَ أَلْ يَبَالَ نَع □ □ 7 قَالَ: ذَكَرَ أَنَّ ابْنَ أَبِي لَيْلَى وَ ابْنَ شُبْرُمَةَ دَخَلَا أَلْ مَسْجِدَ الْحَرَامِ فَاتَى مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ 7 فَقَالَ لَهُمَا بِمَا  
تَقْضِيَانِ فَقَالَا بِكِتَابِ الْمَلَّةِ وَ الْمُسْنَدِ قَالَ فَمَا لَمْ تَجِدَاهُ فِي أَلْ كِتَابِ وَ الْمُسْنَدِ قَالَا نَجْتَهُد. (طوسي، 1407، ج 9، ص 363)

به آن ارتباط عدم و قیاس موضوع به پرداختن سبب به شده ذکر روایات از برخی انتهایی همچنین. شود □ □ می اجتناب روایات سایر نقل از، متن تشابه و اختصار رعایت برای □ □  
موضوع مورد بحث، تقطیع شده است.

## 9. تبیان کل شیء بودن مجموع قرآن و سنت از دید روایات

بیت اهل آن در که دارد وجود فراوانی روایات شیعه حدیثی جوامع در □ □ : مجموع قرآن و سنت را شامل تمام علوم دانسته □ □ اند نه قرآن را به تنهایی. در برخی دیگر از روایات  
نیز قرآن را دربرگیرنده تمام علوم دانسته □ □ اند ولی بشر را از دستیابی مستقیم بدان ناتوان شمرده و راه وصال بدان معارف را منحصر در مراجعه به سنت نموده □ □ اند. بر این اساس از  
دو رکن موجود در استدلال، رکن جامعیت آن تأمین می □ □ گردد ولی رکن استقلال آن مورد خدشه قرار می □ □ گیرد. چرا که این روایات دسترسی به تمام معارف الهی را مشروط  
به مراجعه به سنت نموده است که به تبع آن یکی از مهمترین معارف الهی که فهم مرادات باری تعالی از آیات خود قرآن می □ □ باشد نیز وابسته به مراجعه به روایات خواهد شد. بخشی  
از این روایات بدین شرح است:

يُوسِمُ نَسَحَ أَلْ يَبَالَ نَع □ □ 7 قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَ كَلَّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ الْمَلَّةِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ 6 أَوْ تَقُولُونَ فِي 4 قَالَ بَلْ كَلَّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ الْمَلَّةِ وَ  
سُنَّةِ نَبِيِّهِ  
(كلبني، 1407، ج 1، ص 62)

(ص 59، ج 1، کلیبی، 1407، 1407) «فَوَلِّقَى هُتَعَمَسِ» □ □

(ص 281، 1413، مفید ص 302؛ 1404، صفار) «بِنِ الْمَسِّ وَابْتِ كُنَالِ يَفَءَجُ دَقَّ وَ أَلِءِ شِبَسِ سَلِ هُنِ» □ □

«أَمْ مَكُوحٌ وَهَامِي قَالِ مَوِي» □ □ «لِي إِتَى أَمْ مَلَعٌ وَ» □ □ «ضِي مَ أَمْ مَلَعٌ هِفَنُ إِهْنَعُ مَكُوبِخُ أَمْ مَكَلِ قَطْنِي نَلٌ وَوَهْقَطْنِ تَسَافِ أَنْزُقَالِ كَذِلِ □ □  
بِي نَكُمُ، وَبِي أَنْ مَأْصِبُحْتُمْ فِ هِتَخْتَلِ فُونِ، فَالِ وَسْأَلِ تُمْوِنِي عَنَّهُ، لَعَلِ مَتَكُمُ» □ □ (كَلِبِي، 1407، ج 1، ص 155)

«نِنْمُؤْمَالِ رِمًا □ □ 7 قَالِ وَالذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ وَكَرَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ أَمْ مِنْ شَيْءٍ» □ □ «تَطْلُبُونَ... إِنْ أَوْ هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَمَنْ أَرَادَ  
عَلِمَ ذَلِكَ فَالِ سَأَلِ نِي عَنَّهُ» (سِيدِ بْنِ طَاوُوسِ، 1406، ج 2، ص 283)

«قَالَ الْمَلِكُ أَلِ قِ □ □ 7 قَدْ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لِقُرْآنِ أَهْلِ الْإِيمَانِ كَرَمًا عِنْدَ جَمِيعِ الْخَلْقِ لِعَلِّمْ إِيَّاهُمْ أَمْ أَمْزُوا بِهِ قَالِ اللَّهُ تَعَالَى فَسَأَلُوا أَهْلَ الْمَذْكَرِ  
إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ إِيَّانَا عَنِّي» (كَرَاجِكِي، 1410، ج 2، ص 209)

«نَسَحَ أَلِ بِي أَنْعِ □ □ 7 قَالِ: قُلْتُ لَهْ كَلُ شَيْءٍ تَقُولُ بِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِهِ أَوْ تَقُولُونَ فَ 4 بِرَأْيِكُمْ قَالِ بَلْ كَلُ شَيْءٍ نَقُولُهُ فِي  
كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ» (صَفَارِ، 1404، ص 301)

«الْمَلِكُ ذَبَعَ يَبْأَنْعِ: أَلِ قَبْلِ كَلِ نَبِ عَرُوسِ نَعِ □ □ 7 بِأَيِّ شَيْءٍ يُفْتَى الْإِمَامُ؟ قَالِ: بِالْكِتَابِ. قُلْتُ: فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ؟ قَالِ:  
بِالسُّنَّةِ. قُلْتُ: فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؟ قَالِ: لَيْسَ شَيْءٌ» □ □ «إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» (صَفَارِ، 1404، ص 387)

«الْمَلِكُ ذَبَعَ يَبْأَنْعِ □ □ 7 قَالِ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ شَيْءٌ» □ □ «لَا يَكُونُ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؟ قَالِ: لَا» (صَفَارِ، 1404، ص 388؛ صَفَارِ، 1404، ص 388 به سَدِّي  
دِيغَرِ)

«الْمَلِكُ ذَبَعَ يَبْأَنْعِ أَنْ مَثَعُ نَبِ إِدْمَحِ □ □ 7 قَالِ: سَأَلَهُ سَوْرَةَ وَأَنْ شَأْنَهُ. فَقَالِ: جَعَلْتُ فِدَاكَ بِمِائِي الْإِمَامِ؟ قَالِ: بِالْكِتَابِ. قَالِ: فَمَا لَمْ  
يَكُنْ فِي الْكِتَابِ قَالِ بِالسُّنَّةِ؟ قَالِ: فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؟ فَقَالِ: لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ» □ □ «إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ. قَالِ: تَمَّ  
مَكْنَتُ سَأَعِ تَمَّ قَالِ: يُوَفَّقُ وَيُسَدِّدُ وَلَيْسَ كَمَا تَطْنُ» (صَفَارِ، 1404، ص 388)

«الْمَلِكُ ذَبَعَ يَبْأَنْعِ بِي كَلِ نَبِ عَرُوسِ نَعِ □ □ 7 قَالِ: دَخَلْتُ عِلِّيَّهِ بِمَنْيَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ الْإِمَامِ بِأَيِّ شَيْءٍ» □ □ «يَحْكُمُ؟ قَالِ: بِالْكِتَابِ.  
قُلْتُ: فَمَا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ. قَالِ: بِالسُّنَّةِ. قُلْتُ: فَمَا لَيْسَ فِي السُّنَّةِ وَ لَأ فِي الْكِتَابِ؟ قَالِ: فَالِ بِي دَهْ قَدْ أَعْرَفَ الَّذِي تَرِدُ دَيْسُ دَدُّ وَ

یُوفَّقُ وَلَيْسَ كَمَاتَظُنُّ. (صغار، 1404، ص 388)

دَمَحُمُ نَبِ رَفَعَجَ نَعِ وَ □ □ 7 أَنَّهُ سَأَلَ عَمَّ الْقَضَى بِهِ الْقَضَى قَالَ بِالْكَتَابِ. ق: لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ؟ قَالَ: بِلِسَانِهِ. ق: لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالْأَلْفَاءُ فِي الْمَسْنَدِ؟ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ فِي الْكِتَابِ وَالْمَسْنَدِ قَدْ أَكْمَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَ كَمَا كَمَّلْتُ لَكُمْ دِينَ. □ □ 7 يُوفَّقُ اللَّهُ وَيُسَدِّدُ لَذَلِكَ مَنْ يَشَاءُ مِنْ خَلْقِهِ وَلَيْسَ كَمَاتَظُنُّ. (ابن حون، 1427، ج 2، ص 535)

هَلْ دَبَّعَ فِي بِلْ تَلْقُ الْقَ لِقَ جَزَعُ أَلِ هَلْ دَبَّعَ نَبِ دَعَسَ نَعِ □ □ 7: إِنْ مِنْ عِنْدِنَا مِمَّنْ يَتَفَقَّهُ الْقَوْلُونَ يَرُدُّ عَلَى مَا لَمْ يَنْعَرَفَهُ فِي الْكِتَابِ وَ الْمَسْنَدِ فَنَقُولُ فِيهِ هَبِ رَأَيْتَ؟ فَتَقَالَ: كَذَّبُوا، لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِي الْكِتَابِ وَجَاءَتْ فِيهِ الْمَسْنَدُ. (مفيد، 1413، ص 281)

بیت اهل دید از آید □□□□ می بر روایات این از □ □ : برای بهره □□□□ بی از تبیان کل شیء بودن قرآن کریم باید به مجموع قرآن و سنت مراجعه کرد، نه قرآن به تنهایی. البته رجوع به اهل بیت متواتر نقلین، قرآن و سنت دو هم‌تالی افتراق □□□□ پذیرند و □□□□ قرآن منهای اهل بیت : همان رجوع به قرآن است و اگر سنت به تبیین قرآن پردازد، قرآن وابسته به غیر نشده است. چرا که بر اساس حدیث متواتر نقلین، قرآن و سنت دو هم‌تالی افتراق □□□□ پذیرند و □□□□ قرآن منهای اهل بیت است. □□□□ آیت الله □□□□ جوادی در این خصوص بیان می □□□□ دارد:

اکرم □ امیر به مسلمانان ارجاع □ □ □ □ 6 و امامان: ز به و له خود قرآن صورت گرفته است و از مصاد □ (تب انا لکل ش□□) است. پس نور قرآن است که راهنما این بشر را به آبان می □□□□ شناساند و چنان است که جامعه انسانی بدون هدا □□□□ قرآن بتواند، □□□□ مکلف باشد به □□□□ امیر کند. گرچه کل □□□□ فهم بس ارب □□□□ از حقا □□□□ قرآن نزد اهل □□□□ عصمت و طهارت :

است، اما خود قرآن جا □□□□ 1 □□□□ ن کل □□□□ را روشن کرده است. □□□□ (جوادی آملی، ب 1386، ص 79) نیز می □□□□ نویسد: □□□□ □□□□ ن سمت □□□□ امیر اکرم 6

که تب □□□□ قرآن کر □□□□ است، با نور بودن قرآن و با تب □□□□ او منافات ندارد؛ چون هم □□□□ کتاب نورانی و م □□□□ در کمال ظهور، رسول گرامی را مفسر □□□□ و □□□□ انگر خود می □□□□ دانند و بس ارب □□□□ معارف روشن قرآن است که فقط □□□□ 5 □□□□ نا و باصرة □□□□ رومند و درون □□□□ □□□□ □□□□ امیر اکرم 6

می □□□□ □□□□ نه د □□□□ بآبیرا □□□□ در □□□□ حال که قرآن کر □□□□ نور و تب □□□□ است، بهره □□□□ □□□□ ابرداری مردم از همه احکام و معارف آن □□□□ ازمنند به تب □□□□ رسول □□□□ اکرم 6

و همچنین انمه اظهار

□□□□ □□□□ □□□□ گرامی اسلام □□□□ اند، می □□□□ باشد. □□□□ (جوادی □□□□ آملی، الف 1386، ج 1، ص 18)

بیت اهل کلمات با مطابق، کریم قرآن بودن تبیان به رویکرد این □□□□ : و واقعیتی است که در خارج از قرآن کریم به چشم می □□□□ خورد. اما این نوع رویکرد با منهج تفسیری قرآن به قرآن قابل جمع نیست، چرا که رکن استقلال در این بیان مخدوش است.

9. پاسخ به یک اشکال

سنت و کتاب در نه و اند - یافته‌های نهایی به کتاب در نه را خود نیاز مورد احکام، اصحاب این از برخی که دارد این بر دلالت روایات این از بعضی که شود اشکال است ممکن □ □  
توأم، لذا برای کسب تکلیف به محضر امام رسیده □ - اند. و بر این اساس نظریه تبیان کل شیء بودن قرآن با همراهی سنت نیز باطل می □ □ □ گردند. در پاسخ می □ - گوئیم: حضرات  
معصومین: فرموده □ - اند اگر امری را در کتاب و سنت نیافتید در آن توقف نموده و به ما مراجعه کنید □ «إِذَا جَاءَكُمْ مَا تَخْتَلُمُونَ فَاُولَٰئِكَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ حِسَابٌ لَّيْسَ لَیْسَ لَیْسَ بَشِیْءٍ إِلَّا وَ قَدْ جَاءَ فِی الْكِتَابِ وَ الْمَسْئَلَةُ □ □» (صفا، 1404، ص  
302) یعنی تمام علوم و معارف در قرآن و سنت موجود است ولی اگر امری را نتوان از ظاهر قرآن و سنت بدست آورد باید به خود امام 7 مراجعه نمود و به محضر خود  
ایشان شرفیاب شد چنانکه در این روایات، خود حضرات

□ :  
این دستور را داده □ - اند. لذا بهتر است به جای عبارت □ «جامعی قرآن و سنت □» از عبارت جامعیت □ «قرآن و اهل بیت

□ :  
باشد آن حاضر و حی مبین کنار در قرآن که نمود خواهد تن به عمل جامعه تماماً زمانی کریم قرآن بودن شیء کل تبیان که معنی بدین نمود استفاده □ «

10. تبیین معارف قرآنی غیر قابل استنتاج از قرآن توسط اهل بیت:

بیت اهل که است روایاتی، مطلب این بر دیگر صدق شاهد. در بردارد را دینی غیر و دینی علوم تمام کریم قرآن که دارند این بر اطلاق شیعه روایات که شد بیان □ □ □ : در آن به  
تبیین علومی از قرآن پرداخته □ - اند که خارج از حوزه دین □ □ □ می □ - باشد. در این آیات دو نکته مهم است. اول آنکه این علوم هرگز بدون راهنمایی و بیان حضرات معصومان  
برای ما قابل فهم نیست. با نظر به این دسته از روایات فهمیده خواهد شد ادعای استقلال قرآن در تبیین مرادبات خود، صحیح نخواهد بود. دوم آنکه در بیشتر این موارد اهل بیت  
□ :

به استخراج علومی دست زده □ - اند که لزوماً ناظر به سعادت اخروی بشر نمی □ □ باشد. بدین معنی که با تجویز آیه □ □ □ ای به حل مشکلات دنیوی افراد پرداخته □ - اند. این خود شاهی  
بر صحت دیدگاه دوم مبنی بر شمول علوم قرآن بر تمام علوم اعم از دینی و غیر دینی است، البته باید اهل بیت

□ :  
قرآن را به نطق در بیاورند، وگرنه قرآن با ما سخن نمی □ □ □ گوید. (کلینی، 1407، ج 1، ص 61) برخی از این روایات بدین شرح است:

امیرالمؤمنین حضرت. الف □ □ 7 در مورد آیه (الْمَلَّةُ الَّتِي نَزَّلَ الَّكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الْمَصَالِحَ ن) (الأعراف: 196) و چند آیه از سوره زمر می □ □ □ فرماید: □ «فَمَنْ قَرَأَهُ  
فَقَدْ أَهَمَّ الَّحَقَّ وَ الَّحَقَّ □» هر کس آن را بخواند از سوختن و غرق شدن در امان است. (کلینی، الکافی، 2، 624)

( آیه فرمودند مشکل حل برای ایشان و کرد شکایت حضرت نزد به خود چهارپایی از شخصی. ب □ □ □ وَ لَئِنْ سَأَلْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَىٰ هِ  
يُرْجَعُونَ  
فَدَلَّتْ لَئِنْ دَابَّتْ □» او نیز خواند و چهارپایش رام شد. (کلینی، الکافی، 2، 624)

( آیه فرمودند حضرت. اند □ □ کرده سخت او بر را زندگی و است شده درنده از پر او زندگی محل که نمود گلابه حضرتش به شخصی. ج □ □ □ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ  
أَنْفُسِكُمْ  
بدعی آن را بخوان. □ «فَقَرَأَهُمُ الْمَرْجُلُ فَأَجْتَنَّبَتْهُ الْمَسَبِّحُ □» پس مرد هم آن را خواند و درندگان از او دور شدند. (کلینی، الکافی، 2، 624)

لَعَفَ» کن ذخیره دلت در آن و بنوش را آیش و بشوی را آن و بنویس را المکرسى آیت دلت بر: فرمودند حضرت. کرد شکایت دلت در ای... بیماری از شخصی. د...  
الْمَرْجُلُ فَابْرَأْ بِإِذْنِ الْمَلَّةِ» (همان، 625)

این «لَعَفَ» در دُرِّ الْمَلَّةِ یا «بگو آن بعد و بخوان نماز رکعت دو در را یس سوره: فرمودند حضرت: پرسید اش... شده گم مورد در حضرتش از فردی. ه...  
هدایت کننده گم شده...ها، گم شده...م را به من باز گردان. آن فرد نیز این کار را کرد و گم شده...اش را یافت. (همان)

امیر حضرت و برد میان به سخن اش... گریخته بنده از اصحاب از یکی. و... 7 فرمودند آیه 40 سوره نور را بخوان. «فَقَالَ هَذَا الْمَرْجُلُ فَارْجِعْ إِلَيْهِ أَلْأَبْقَى» پس مرد نیز  
آن را خواند و غلام فراری...اش به او بازگشت. (همان)

( آیه روی...می بستر به که هنگامی: فرمودند حضرتش، کرد گلایه اموالش شدن سرقه از هم کسی. ز... قُلْ ادْعُوا الْمَلَّةَ أَوْ ادْعُوا... ) (الإسراء: 111-110) را بخوان. (کلینی،  
1407، ج 2، 625)

( آیه خواندن شیاطین شر از بودن امان در برای حضرتش. ح... إِنْ رَبَّكَ مُمُّ الْمَلَّةِ الَّتِي خَلَقَ الْمَسَامَاتِ وَالْأَرْضَ... ) (المعروف: 54) را توصیه نمودند. (کلینی، المکافی، 2، 625)

کاظم امام. ط... 7 هم برای بیدار شدن نائم جهت نماز شب، خواندن آیه آخر سوره کهف را سفارش کردند. (طوسی، 1411، 10...، 123)

معصومین حضرات اگر... : این علوم را از قرآن کریم آشکار نمی... نمودند؛ هرگز قرآن بشر را به این علوم رهنمون نبود.

11. نتیجه... گیری

1. مراد از تفسیر قرآن به قرآن در دیدگاه تفسیر تسنیم این است که می... توان مرادفات باری تعالی از آیات را با رجوع به مجموع آیات قرآن کریم و بدون نیاز به امری دیگری  
منجمله سنت بدست آورد.

2. یکی از ادله حجّات روش تفسیری قرآن به قرآن استناد به آیه (وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبَّتْ بُنْيَانُ الْكِبَالِ شَيْءٌ) می... باشد. استدلال بیان می... دارد بدان روی که  
قرآن کریم تبیان همه چیز است به طریق اولی تبیان خود نیز خواهد بود. لذا می... توان قرآن را با خودش تفسیر نمود.

3. با مراجعه به روایات به صورت تواتر معنوی روشن می‌آید که قرآن کریم حاوی تمام علوم است نه فقط علوم دینی.

4. در استدلال مذکور دو رکن جامعیت و استقلال وجود دارد. مراد از جامعیت استثناء ناپذیر بودن کل شیء و مراد از استقلال بی-نیازی قرآن از غیر می‌آید باشد.

5. بر اساس روایات رکن جامعیت قرآن ثابت می‌آید شود ولی به سبب عدم تحقق خارجی آن از ظواهر قرآن، رکن استقلال ثابت نمی‌آید گردد.

6. قرآن کریم به انضمام اهل بیت: جامع تمام علوم بوده لذا استناد به آیه مذکور برای اثبات استغنائی قرآن از سنت صحیح نیست.

#### منابع

1. (1427) المغربی محمد بن نعمان، ح و ابن 1. دعائم الإسلام و ذکر المحلل و المحرام و المقضا و الأحكام، ج 2، مؤسسة آل المبت. قم، آ

2. ابوح ان اندلسی، محمد بن وسف (1420). البحر المحیط فی التفسیر، ج 1، دار الفکر، بیروت.

3. برقی، أحمد بن محمد بن خالد (1371). المحاسن، ج 1، دار الکتب الإسلامیة، قم.

4. جوادی آملی، عبدالله (بی-تا). سرش هدایت، ج 2، اسراء، قم.

5. (1390)----- جامعه در قرآن، اسراء، قم.

6. (الف 1389). تفسیر انسان به انسان، چاپ دوم، اسراء، قم.

7. (ب 1389). تسنیم، ج 19، اسراء، قم.



- 8.----- (الف 1388). قرآن در قرآن، اسراء، قم.
- 9.----- (ب 1388). سروش هدايت، ج 3، اسراء، قم.
- 10.----- (ج 1388). تسنيم، ج 13، اسراء، قم.
- 11.----- (د 1388). انتظار بشر از دين، چاپ چهارم، اسراء، قم.
- 12.----- (هـ 1388). اسلام و محيط زيست، چاپ دوم، اسراء، قم.
- 13.----- (1387). همتايی قرآن و اهل بيت:، اسراء، قم.
- 14.----- (الف 1386). سرچشمه اندیشه، ج 2 و 1، اسراء، قم.
- 15.----- (ب 1386). تسنيم، چاپ پنجم، ج 1، اسراء، قم.
- 16.----- (1374). مقدمه ترجمه تفسیرالمیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
17. خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). المبیان فی تفسیر القرآن، مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، قم.
18. رجبی، محمود (1383). روش تفسیر قرآن، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.

19. رضی، محمد بن حسین (1414). نهج المبالغة، دارالمهجرة، قم.

(1379).----- 20. نهج المبالغة. محمد دشتی (مترجم)، مشهور، قم.

21. زركشى، بدرالدين (1410). البرهان فى علوم القرآن. بيروت، المعرفة دار، ج 1، ص 100.

22. زمخشرى، محمود (1407). المكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ج 2، دار الكتاب العربى، بيروت.

23. سيد بن طاووس، على بن موسى (1406). فلاح السائل ونجاح المسائل. قم، كتاب بوستان، ص 100.

24. سويطى، جلال الدين (1421). اللاتقان فى علوم القرآن، چاپ دوم، ج 2، دار الكتاب العربى، بيروت.

25. صدوق، محمد بن على (1398). التوحيد، جامعة المدرس ن 100، قم.

(1427).----- 26. علل المشائخ، ج 1، مكتبة داوری 100، قم.

27. صفار، محمد بن حسن (1404). بصائر المدرجات فى فضائل آل محمد صلّى الله علهم، قم، المنجفى المرعشى الله آ مكتبة، ج 1، ص 100.

28. طباطبايى، سيد محمد حسين (1417). المم زان فى تفسير القرآن، دفتر انتشارات اسلامي جامعة مدرس ن حوزه علم 4 قم، قم.

29. طوسى، محمد بن حسن (1407). تهذيب الاحكام، ج 9، دار الكتب الإسلام 4، تهران 100.

(1411).----- 30. مصباح المتهجد وسلاح المتعبد، ج 1، مؤسسة فقه المشعة، بيروت.

31. ----- (بی-تا). المتب ان في نفس و القرآن، دار اح ا التراث العربي، بيروت.

33. ء اش، محمد بن مسعود (1422). نفس ر المعی آشی. تهران، العلم ة المطبعة، ٢٢٢.

35. کلینی، محمد بن یعقوب (1375). الکافی، کمره -ای، اسوه، قم.

(1407). ----- 36. الکافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران.

37. کراچکی، محمد بن علی (1410). کنز المفوائد، ج 2، دار الذخائر، قم.

38. مجلسی، محمدباقر (1403). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 65، دار اح ا التراث العربي، بيروت. ٢٢٢.

39. محدث نوری، حسن بن محمد تقی (1408). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل المبت آل مؤسسة، 17 ج، قم. ٢٢٢.

(تا-بی) حسن، مصطفوی (40). المتحة قی فی کلمات القرآن المکر م. بیروت، العلمیه دارالکتب، 1 ج، سوم چاپ، ٢٢٢.

41. مفید، محمد بن محمد (1413). الاختصاص قم، المف د المشخ لألف ة العالمی المؤتمر، ٢٢٢.

42. مودب، سید رضا (1380). روشهای تفسیر قرآن، اشراق، قم. ٢٢٢.

1. همچنین ر.ک: جوادی، ب 1386، ص 73؛ ص 64؛ ص 140؛ بی-تا، ج 2، ص 433.

□